

تخیل، کودک و شکفتن زهرا یوسفی

تخیل از ریشه تخیل، به معنای در رشته کشیدن مروارید، آمده است. و در اصطلاح عبارتست از:

«قدرت ساخت و ترکیب تصاویر، یا مفاهیمی که، تجربه نکرده ایم!» به طوری که قبل از پرداختن به آن، نمی توانیم پیش بینی کنیم، که چه پیش می آید.

تخیل، از مهم ترین مسائل، زبان شناسی است. و جایگاه آن در نمیکوه راست کرتکس مغز، یعنی در کنار مرکزی چون: لامسه دست، چپ، ادراک فضا و فاصله، مهارت های ساختی، خلاقیت، استدلال و احساس هنری، قرار دارد.

بدین ترتیب، روشن می شود که تخیل، در تأثیر و تأثر، متقابل با سایر فعالیت های ذهنی است.

تا آنجا که «تعیین تفاوت تخیل و انواع تفکر، امری دشوار می باشد. زیرا تخیل نیز، چون تفکر، از تجارب گذشته، بهره می گیرد، و با واژه ها نیز پیوندی نزدیک دارد. به طوری که بسیاری از افراد خیال پرداز قدرت کلامی بالایی دارند. و بازی های تخیلی، نیز خود موجب رشد مهارت بکارگیری لغات در کودکان می شود».

البته در تمام موارد، میان قدرت کلامی و تخیل، همبستگی وجود ندارد. کسانی که در قدرت کلامی، ضعیف هستند. نیز می توانند با کمک سایر اشکال تجربه، چون دیدن و شنیدن و... به تخیل کلامی پردازند.

کلمات به منزله مواد خام تخیل، بکار گرفته می شوند. و بدیهی است، که وجود قدرت کلامی، در کنترل تخیلات و همچنین طرح ریزی رفتار، نقش با اهمیتی دارد. قدرت بکارگیری روان و مناسب واژه ها و افکار نیز در جنبه کلامی تخیل نقش تعیین کننده ای دارد.

«هوش» نیز با اینکه در تعداد تصورات و

وسیعتر بودن آنها تأثیر می گذارد، اما تحقیقات روشن ساخته که در میان هنرمندانی چون مجسمه سازان، طراحان و نقاشان و... رابطه ای بین کیفیت کار و نمرات هوش وجود ندارد».

عامل دیگری که تخیل را تحت تأثیر قرار می دهد «حواس» می باشد در این زمینه مواردی می توان یافت که رؤیت سقوط سیب به کشف

قانون جاذبه و شنیدن صدای آبشار به ساخته شدن یک غزل، می انجامد. عامل «انفعال» که در تمام ساخت های ذهنی، حتی در اختراعات و اکتشافات، مؤثر است. رابطه تنگاتنگی نیز با تخیل دارد. اولین بار دانشمندی بنام «ریسو» در کتابی به نام «تخیل اختراعی» آن را مطرح نمود. بدین صورت که بدون عامل انفعال، هیچ اختراع و ابداعی ممکن نیست. و هر ابداعی نیازمند میل به تولید یعنی حالت انفعالی خاص پراز نگرانی و ناراحتی است. هر چه این میل و احتیاج شدیدتر باشد نیروی بیشتری برای غلبه بر عادات، و قیام علیه معتقدات قبلی به ذهن می آید. همچنین، تمام انواع انفعالات، از حالت های غم انگیز گرفته

تا حالت های مطبوع در چگونگی اختراعات ذهنی مؤثر واقع می شوند.

علاوه بر همه این عوامل، باید عوامل اجتماعی و فرهنگی را نیز اضافه کنیم، که از بیرون در ساخته شدن تصاویر خیالی دخالت دارند.

علل تخیل

گفته شده است که «ابهام سرچشمه تخیل و آشکاری تخیل سرچشمه تفکر می باشد».

یعنی هنگامی که، ماهیت پدیده ای برای فرد روشن نباشد، درباره آن به تخیل می پردازد. بنابراین ابهام، علت درونی تخیل می باشد.

گاهی نیز علت های بیرونی، فرد را به خیال پردازی وامی دارند، مثلاً «مواقعی که شرایط کنونی زندگی پاسخگوی نیازهای فرد نباشد و یا در شرایطی که محیط، در فرد احساس حقارت و ناامنی، به وجود بیاورد».

در این وضعیت فرد «آنچه می بیند، نمی خواهد. آنچه می خواهد، نمی بیند.» در نتیجه به عالم خیال پناه می برد.

انواع تخیل

۱ - تخیل حضوری که تفاوت چندانی با حافظه ندارد، و فرد آنچه را که قبلاً ادراک نموده یا همان ترکیب قبلی در ذهن حاضر می کند.

۲ - تخیل اختراعی - در این نوع تخیل، ترکیبات بدیع، و ساختمان تازه ای از تصاویر و معانی، در ذهن پیدا می شوند. که خود به دو دسته الف) تخیل اختراعی - انفعالی و ب) تخیل اختراعی - ادراکی، تقسیم می شود. در تخیل اختراعی از نوع انفعالی، تصاویر ذهنی بودن دخالت عقل و اراده و به فرمان دل ساخته می شوند. این نوع تخیل خود به پنج دسته تقسیم می شود:

- ۱ - حرکات در خواب طبیعی و مصنوعی
- ۲ - خیالی بافی
- ۳ - رؤیا
- ۴ - توهم یا تجسم خیال
- ۵ - جنون

اما در تخیل اختراعی از نوع ادراکی، هر

* شاید بتوان گفت، هیچ یک از ویژگیهای روانی کودک به اندازه تخیل او، آینه تمام‌نمای افکار و برداشت او از محیط نباشند.

* والدین اگر خیالپردازی را در کودکانشان سرکوب نمایند و همیشه بر تقویت کننده‌های واقعی، اصرار کنند مسیر تفکر کودک منحرف خواهد شد.



می‌گیرد، مثلاً تبدیل به یک درخت می‌شود. و در مواجهه با پدیده‌های اطراف درخت، حس و رفتار یک درخت را از خود نشان می‌دهد.

۹ - در آخرین مرحله فرد شخصیت خود را فراموش می‌کند. و به صورت یک موجود خیالی مثلاً پرنده‌ای در آسمان درآمده و درک و حرکت یک پرنده را پیدا می‌کند.

جایگاه تخیل در کودکی و نوجوانی

تا قبل از زمانی که کودک هویت مستقلی برای خود پیدا کند. و دنیای درونی او کشف شود، دوره کودکی پلی فرض می‌شد که باید هرچه سریع‌تر از آن گذشت، تا به دوران بزرگی و افتخار رسید.

در گذشته و شاید امروز تنها خصیصه‌ای، که خاص کودکان می‌دانند، بی‌غم بودن، آنهاست. همانطور که صائب تبریزی نیز سروده است:

«بر نمی‌دارد شراکت ملک تنگ بیغمی
زین سبب اطفال دائم دشمن دیوانه‌اند»

از آنجایی که، دنیای دیوانه نیز، چون دنیای کودک، ناشناخته است. کودک؛ سنگ زنان و رفیق گرمابه و گلستان دیوانه شده بود. اما از زمانی که، موجودیت کودک، به رسمیت شناخته شد و پنجره آگاهی بزرگسالان رو به گستره ذهن کودکان گشوده شد. جریان تازه‌ای نیز، وارد شعر معاصر شد به نام «اشعار نوستالژیک» که در آن شاعران با اندوه و حسرت از گذشت کودکی یاد می‌کنند. (همانطور که در گذشته جوانی دوره طلایی

شخصیت فرد وارد صحنه‌های خیالی اش می‌شود، می‌تواند در این فضای ساختگی حرکت کند. برخی افراد با تمرین حالت‌های اول تا سوم به این مرحله می‌رسند. البته تا زمانی که فرد یاد نگرفته است، که چگونه با شخصیت واقعی خودش، در یک قالب خیالی حرکت کند، خیلی سریع به مرحله اول باز می‌گردد. مگر اینکه گام به گام، احساس و حرکت خود را تقویت نماید.

۶ - در این حالت، فرد در یک بدن خیالی، با سایر تخیلات خود، ارتباط برقرار می‌کند. اما اعمالش را تحت اراده خویش دارد. در این مرحله عمق رابطه با ساخته‌های ذهنی، به چند صورت قابل تشخیص است:

۱) نشانه اول آن، این است که ببینیم آیا محیط خیالی تأثیری در فرد به جا گذارده یا خیر؟ مثلاً در تصویر یک اژه ماهی که به سمت او شنا می‌کند آیا فرد دچار اضطراب می‌شود، یا خیر؟ (بدنش سرد، تنفس او تند و عضلاتش منقبض می‌گردد، یا خیر؟)

۲) آیا فرد قادر است برای مدتی بر روی تصاویر خیالی خود تمرکز پیدا کند؟

۳) آیا فرد در بدن خیالی قادر به حرکت می‌باشد؟

۷ - در این حالت، فرد در یک بدن خیالی، در رابطه با دنیای ساختگی اش قرار گرفته است. درحالی که زمام اراده اش را نیز به دست ذهنیتش سپرده است.

۸ - فرد به عنوان یک تصویر زمینه‌ای، در تماس با سایر ساخته‌های ذهنی خود قرار

ساختمان تازه ذهنی، از روی طرح و نقشه در نظر آمده و پرورش پیدا می‌کند. و عقل و اراده در آن دخالت دارد. به جرأت می‌توان گفت که «هر چیزی که در یک لحظه ادراک می‌شود یک خلق تازه است اما به دلیل اینکه ادراکات ما شباهتها و همانندیهایی با یکدیگر دارند آگاهی ما را می‌فریبند تا تصور کنیم که ادراکات ما ثابت و تکراری است».

محقق دیگری، چگونگی برخورد فرد با تخیلاتش را، در ۹ حالت، طبقه‌بندی کرده است:

۱ - در این وضعیت فرد در بیرون از صحنه خیال به تماشای ساخته‌های ذهنی خود می‌نشیند.

۲ - فرد در عرصه خیال، خود حاضر شده، و ناظر در جریانات ذهنی خود، می‌باشد. مثلاً از بالای یک درخت، پائین را نگاه می‌کند.

۳ - در این وضعیت، فرد در عین حضور در صحنه خیال، با مناظر ذهنی خود، در رابطه و تعامل قرار می‌گیرد. این سه نوع تخیل بر شمرده را «تخیلات منظره‌ای» نامیده‌اند زیرا، فرد با همان شخصیت خودش در بیرون یا داخل صحنه‌های خیالی حضور دارد.

۴ - فرد خودش جزئی از صحنه‌های ساختگی است. و ناظر بر تخیلات خویش می‌باشد. مثلاً فرد خودش درخت است.

۵ - فرد همانطور که جزئی از صحنه‌های خیالی است، با همان شخصیت واقعی خودش، با سایر ساخته‌های ذهنی اش رابطه برقرار می‌کند. در وضعیتهای چهارم و پنجم،



❖ **کودک به جای اینک، درباره رویدادها و حوادثی که دیده است، فکر کند. و آنها را تنها در ذهنش مجسم سازد؛ آنها را در بازی زنده می کند. و بدین وسیله کشمکشهای درونی اش، را نمایان ساخته و با واقعیت بیرون سازگار می شود.**

از «او» مهربانتر است. «ک» و «ر» سخت تر از «ل» است. «م» و «ل» از «ت» و «ک» نرم تر است.

پاسخ بیست شاگرد دبیرستان و ۵۰ مرد و زن سالمند نیز، تفاوتی با پاسخ کودکان نداشت، «دانشمندان در کشورهای آمریکا، آلمان، فرانسه، سوئیس و حتی در بین گروهی از چینیان نیز، نتایج یکسانی به دست آوردند. فونتاگی زبان شناس معاصر، هم در آزمایش با کودکان ناشنوا و نابینا، به طور شگفت آوری به نتایج مشابهی رسید^۱». بدین ترتیب معلوم شد که تعبیرات مجازی و شخصیت دهی به حروف در بین همه افراد بشر در تمام سنین، مشابهت دارد. و این مسئله خود مبین، حفظ باورهای کودک، در تمام عمر می باشد.

ویژگی دیگر کودک در دوره افکار تخیلی، واقعیت گرایی جادویی، است. که در ۶ - ۴ سالگی ظهور می کند. کودک میان پدیده های فیزیکی و روانی قدرت تمیز ندارد، و درباره علت پدیده ها، به تخیل می پردازد. مثلاً گمان می کند که هنگام حرکت، ماه او را دنبال

کودکانشان سرکوب نمایند و همیشه بر تقویت کننده های واقعی، اصرار کنند مسیر تفکر کودک منحرف خواهد شد. او مختصر و مفید تأکید دارد که تخیل پیشتر اول خلاقیت است^۱»

از حدود سه سالگی به بعد، تقریباً هر کودکی شروع به خیالی بافی می کند، به طوری که ۷ - ۳ سالگی را دوره «افکار خیالی» نام نهاده اند. کودک در این دوره، واقعیت و خیال را به هم می آمیزد، چرا که او در این سنین بسیار کم تجربه است، و آنچه میان خیال و واقعیت مرز مشخص می کند، همان تجربه است که کودک دارا نمی باشد به همین دلیل، در اندیشه اش، «جاندار پندار» است. گویی صور اسرافیل به دست گرفته تا از حیات خود اشیاء و پدیده های بی جان را زندگی بخشد. و در پهنای خیال خود، هستی را سراسر همنا و همبازی خود گرداند. و این گونه است که هیچ گاه، کودکی از غریبی و بیخسی نمی نالد. کودک این جان بخشی و شخصیت دهی را حتی از حروف کلمات نیز دریغ نمی دارد، همان طور که تعدادی از دانشمندان زبان شناس در تحقیقی از ۲۵ کودک کودکستان که هنوز با دستور زبان و قواعد درسی آشنا نبودند، خواستند که به پرسشهایی جواب دهند که از قبل تهیه شده بود پاسخهای کودکان یکسان یا با هم بسیار نزدیک بود. همه به اتفاق، گفتند که: مصوت «ای» سبکتر، سریعتر و ظریفتر از مصوت «او» می باشد. حرف «ر» مرد و حرف «ل» زن است. «ای»

زندگی فرض می شد و در شعر کلاسیک شاعران در اشعار تئیب و تغزل برگزشت جوانی افسوس می خوردند) نمونه جالب آن را در شعر «بعد از تو» می یابیم:

ای هفت سالگی ای لحظه شگفت عزیزم بعد از تو هر چه گذشت در انبوهی از جنون و جهالت گذشت...

ما هر چه را که باید از دست داده باشیم از دست داده ایم...

چقدر باید پرداخت برای رشد این مکعب سیمانی...

نمونه دیگر آن شعر «روزهای کودکی» از مجموعه «سرود رگبار» است

روزهائی که گناهان حتی معصومیتی کودکانه داشت

روزهای که با بادبادکها با فوت فرشتگان بالا می رفتند...

روزهایی که بچه گنجشکها بزرگترین افراد باغ بودند...

آه روزهای خواستن و توانستن!

هر کدام از این شعرها، شاهدی بر کشف نگاه و فکر کودک، می باشد.

فعالترین نیروی ذهن، در دوره کودکی، تخیل می باشد. شاید بتوان گفت، هیچ یک از ویژگیهای روانی کودک به اندازه تخیل او، آینه تمام نمای افکار و برداشت او از محیط نباشد.

«خیالپردازی سنگ بنای اولیه غلبه بر موقعیتهای واقعی است. محقق (لیذر ۱۹۵۸)

نشان داد که والدین اگر خیالپردازی را در

* بخصوص اگر کودک وسایل کافی، برای ابراز تخیل در اختیار نداشته باشد، به دروغ پردازی درباره وقایع و مسائل متوسل می شود. راه علاج این دروغگوئیها نیز آسان است، هنر نمایشهای جدی را باید به آنان آموخت.

می کند.

«بخصوص اگر کودک وسایل کافی، برای ابراز تخیل در اختیار نداشته باشد، به دروغ پردازی درباره وقایع و مسائل متوسل می شود. راه علاج این دروغگوئیها نیز آسان است، هنر نمایشهای جدی را باید به آنان آموخت»^{۱۱}. در دوره افکار تخیلی، بازیهای کودک نیز جنبه تخیلی دارد، در این بازیهای نمادی که نقش زبان بزرگسالان را بعهده دارد. کودک به جای اینکه، درباره رویدادها و حوادثی که دیده است، فکر کند. و آنها را تنها در ذهنش مجسم سازد؛ آنها را در بازی زنده می کند. و بدین وسیله کشمکشهای درونی اش، را نمایان ساخته و با واقعیت بیرون سازگار می شود. این بازیها که از ۳ - ۲ سالگی آغاز، و در ۶ - ۵ سالگی به اوج خود می رسند، موجب رشد اجتماعی، تقویت حس اعتماد به نفس، رشد و قدرت تکلم در کودک می شوند.

عواطف کودک نیز در این دوره، ناب و خالص است. به طوری که کودک یا نسبت به جریانات اطرافش بی اعتنا است، یا کاملاً تحت تأثیر عاطفی قرار می گیرد. و در دنیای ذهن او همه چیز رنگ احساس به خود می گیرد. و ذهن مطلق گرای او حاضر به قبول نسبی بودن صفات نمی باشد.

مسئله مهمی که در ارتباط با تخیل، کودکان جای ذکر دارد، این است که، تخیل کودک مربوط به زمان حال می باشد، علت آن را هم باید در نوع تصویر ذهنی کودک، جستجو کرد. چرا که تصویر ذهنی کودک تا ۸ - ۷ سالگی، تصویر برگرداننده است. و تصورات او

برگردان، الگوهایی است که در برابر قرار گرفته است، او تنها مناظر آشنا و چیزهایی را که قبلاً درک کرده است. مجسم می سازد. یا آنها را با هم ترکیب می کند و تصویری عجیب در ذهن خود خلق می کند. اما بعد از ۸ سالگی، قادر می شود که حرکات و تغییرات پدیده ای را بدون تحقق قبلی، تصور کند. یعنی تصویر ذهنی او پیش بینی کننده می شود، از این رو تخیلات نوجوان به آینده مربوط می شود «او می خواهد، مفهوم گذشته و آینده را درک کند. و آنها را به هم ربط بدهد. به همین دلیل، او طرحها و نقشه هایی برای آینده دیگران و اجتماع ترسیم می کند. و چون علاقه نوجوان به زمان حال خیلی کم می شود. کار توافقی و تطابق با واقعیت برای او دشوار است. گاهی قدرت تخیل نوجوان، تا حدی زیاد است که او نمی تواند تشخیص بدهد که چه چیز واقعیت دارد و چه چیز زائیده تخیل خود اوست. و اگر می بینیم که نوجوان در توصیف صحنه ای مبالغه می کند، و جزئیات را از خودش اختراع می کند، بدانیم که غالباً تعدمی نیست بلکه این موضوع را نتیجه قدرت خارق العاده و وضع برافروختگی شدید تخیل بدانیم»^{۱۲}.

با این تفصیل می توان، اهمیت تخیل در کودکان را در چند زمینه زیر خلاصه نمود:

- ۱ - پرورش خلاقیت
- ۲ - خلاص شدن از هیجاناتی که، کودک قادر به ابراز مستقیم آنها نیست.
- ۳ - آموختن توجه به موقعیت های دیگر، هنگامی که شرایط کنونی قابل تحمل نیست.
- ۴ - پرورش قدرت تغییر اوضاع، از طریق تفکر.
- ۵ - همدلی با احساسات، و عقاید دیگران.
- ۶ - استفاده، از تخیل در برنامه ریزی^{۱۳}
- ۷ - پیدا کردن راه حل مسئله - بخصوص کودکان هنگامی که مسئله برای آنها ایجاد دردرس کند، از تخیل خود مدد می جویند. البته نقش کارآمد راه حل های تخیلی، بستگی به ذخیره اطلاعات مناسب از طریق تجارب عملی و واقعی در ذهن، و قابلیت کودک در مقایسه موقعیت خیالی با شرایط واقعی، و توانایی درک

ارتباط بین رفتار و تقویت کننده. و همچنین بستگی به نوع مسئله، و نگرش کودک نسبت به آن دارد. بدیهی است که کودک هنگامی که از احساس حقارت یا حسادت در رنج باشد سعی می کند مسئله را تنها در تخیل خود حل نماید، و از امتحان راه حل خیالی امتناع می کند»^{۱۴}.

بدین ترتیب تجارب ارزشمند دوره کودکی، توشه راه و حل المسائل، دوران نوجوانی می گردند و فرد را در گذر از مراحل دشوار بعدی یاری می دهند.

اما در زمینه تخیل کودکان این پرسشها بدون پاسخ مانده اند:

۱ - آیا هر کودک می تواند، تخیل کند و به بالا ترین حد رشد تخیل برسد؟

۲ - آیا تفاوت جنسیت، در تخیل مؤثر است؟

۳ - تا چه حد، نگرشها و معیارهای رفتاری تحت تأثیر تخیل قرار می گیرند؟^{۱۵}

و بالاتر از این پرسشها، پرسشی جاودانه است که شاعر آن را در ما بیدار می کند:

می توان یکبار دیگر باز هم بالهای کودکی را باز کرد؟

چشمها را بست و بر بال خیال تا تماشای خدای پرواز کرد^{۱۶}

منابع و بی نوشتها:

- ۳ - شعر کودک در ایران، محمود کیانوش، انتشارات آگاه، ۲۳۵۲ ص ۲۷
- ۷ - نقل از مجموعه «ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد»، فروغ فرخزاد، مروارید، ۱۳۶۰
- ۸ - سرود رگبار، سروده علی موسوی گرمارودی، انتشارات رواق، ۱۳۵۷
- ۱۰ - نقل از مقاله زبان شعر، پرویز ناتل خانلری، سخنرانیهای نخستین کنگره شعر در ایران، وزارت فرهنگ و هنر ۱۳۴۹ ص ۸
- ۱۱ - روانشناسی کودک و بالاج. آ. هاولفیل، مشفق همدانی، انتشارات صفی علیشاه چاپ دوم تهران ۱۳۵۶ ص ۲۸۳
- ۱۲ - روانشناسی بلوغ، مسروب بالابان صص ۴۵ - ۴۴
- ۱۶ - بخشی از شعر بالهای کودکی سروده قیصر امین پور، سرود نوجوان، شهریور ۷۱